

تبیین مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی برای طرح در برنامه درسی دوره متوسطه

۱- محمد پیش‌باز ۲- دکتر سولماز نورآبادی*

۱- دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی مجازی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران

۲- عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

Email: mohammadpishbaz21@gmail.com

Email: nourabadi@shahed.ac.ir

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، تبیین مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی برای طرح در برنامه درسی دوره متوسطه نظام آموزشی کشور است. روش پژوهش تحلیلی-استنتاجی و از نظر هدف، کاربردی است. یافته‌ها حاکی از آن است که الگوی آموزش چندفرهنگی با شاخص‌های تعیین شده آموزش ضد تعصب و تبعیض نژادی، پذیرش تنوع و تکثر، همزیستی مسالمت‌آمیز با گروه‌های دیگر، عدالت و برابری آموزشی، انعطاف در برنامه درسی، پرداختن به حقوق اقلیت‌های دینی و فرهنگی، محتوای ترکیبی و یکپارچه و چگونگی خلق دانش و فهم متأثر از ویژگی‌های قومی، قابلیت طرح در برنامه درسی دوره متوسطه را دارد. بنابراین نتایج نشان می‌دهد از آنجا که نظام‌های آموزشی به ویژه آموزش و پرورش بیشترین نیرو و سرمایه انسانی را دربردارد و از سوی دیگر به عنوان اصلی‌ترین نهادی در نظر گرفته می‌شود که وظیفه درونی کردن ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه را بر عهده دارد؛ باید با برنامه‌ریزی صحیح به تحکیم هویت ملی و قومی بپردازد. با آشنا شدن دانش‌آموزان از اقوام مختلف ایرانی با هویت قومی خود، سرمایه‌های فرهنگی کشورمان افزایش یافته و هویت ملی تقویت می‌یابد. همچنین در نقطه مقابل، در حاشیه بودن قومیت‌ها موجب اخلال در امر آموزش و یادگیری می‌شود.

کلمات کلیدی: اعتبارسنجی، چندفرهنگی، آموزش، دوره متوسطه، برنامه درسی.

۱. مقدمه

نهاد آموزشی در جامعه مدرن، جایگاه ویژه‌ای در حفظ و بازتولید اهداف دولت ملی دارد و در ایجاد و تقویت هویت و انسجام ملی، آموزش مفاهیم شهروندی و زمینه‌سازی برای سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی حاکمیت ملی نقش کلیدی ایفا می‌کند. برای ایفای این نقش، نظام‌های آموزشی در گذشته بدون توجه به آنچه خارج از مرزهای جغرافیایی ملی می‌گذرد، به برنامه‌ریزی آموزشی می‌پرداختند [۱]. اما امروزه و در فرایند جهانی شدن، که به ارتباط و تاثیرگذاری بیشتر بین فرهنگ‌ها منجر شده است، دستیابی به این اهداف نمی‌تواند بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی داخلی و بین‌المللی محقق شود. در این میان، مدارس به عنوان محیط‌های آموزشی و فرهنگی، با واقعیت وجودی هویت‌ها، اقوام و فرهنگ‌ها و عقاید متفاوت روبرو هستند. از جمله وظایف آموزش و پرورش ایجاد فضای آزاد برای یادگیری، کمک به توسعه پایدار، دموکراسی، برابری در فرصت‌های آموزشی، صلح و عدالت آموزشی است. آموزش و پرورش برای تحقق بخشیدن به این وظایف، نیازمند ابزارهای لازم از جمله برنامه‌های

درسی متناسب با شرایط و نیازهاست. برنامه درسی حوزه‌ای است که در آن، زبان و گفتمان‌های متفاوتی به کار می‌رود و از جمله این گفتمان‌ها، مباحث نژادی و چندفرهنگی و رفع تبعیض در عرصه تعلیم و تربیت است. با توجه به این که بسیاری از کشورها از جمله ایران به طور مستقیم درگیر تنوع اقوام و فرهنگ‌های مختلف هستند، یکی از وظایف برنامه درسی ملی، فراهم کردن بسترهای مناسب برای آشنایی دانش‌آموزان با فرهنگ‌های مناطق مختلف ایران است [۲].

لازم به ذکر است آموزش چندفرهنگی نه تنها به تنوع فرهنگی در محیط‌های آموزشی احترام می‌گذارد، بلکه درصدد پرورش و ارتقای آن است. کثرت‌گرایان فرهنگی انطباق کامل با فرهنگ کلان و ترویج تجزیه‌گرایی را قبول ندارند، بلکه درصدد توسعه جامعه کثرت‌گرا با فرهنگ‌های مختلف هستند و این مهم تنها از طریق توجه به تنوع فرهنگی و فراهم کردن فرصتی برای تعامل مثبت و مسالمت‌آمیز گروه‌های مختلف فرهنگی دست یافتنی است [۳]. بسیاری از متخصصان حوزه آموزش چندفرهنگی بر این باورند که هدف اساسی آموزش چندفرهنگی، تضمین و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای تمامی دانش‌آموزان با نژادها، طبقات، قومیت‌ها و گروه‌های متنوع فرهنگی است [۴]. همچنین برخی از اهداف این آموزش عبارت است از اینکه: دانش‌آموزان دانش، نگرش و مهارت مناسب برای شرکت مؤثر و موفقیت‌آمیز در یک جامعه دموکرات را به دست آورند. دانش‌آموزان، باید قادر به برقراری ارتباط با مردم از فرهنگ‌های مختلف باشند، تا جامعه‌ای را در راستای منافع مشترک همه کسانی که در آن جامعه زندگی می‌کنند؛ بسازند [۵]. باید یاد بگیرند که در جوامعی که به لحاظ نژادی و قومی کثرت‌گرا هستند، اختلاف اجتناب‌ناپذیر است؛ اما این اختلاف لزوماً ویرانگر یا تفرقه‌انداز نیست [۶].

۲. بیان مسأله

موضوع چندفرهنگی در جهان قدمتی دیرینه داشته است هر چند که روح و قالب چندفرهنگی در دنیای معاصر همان روح و قالبی است که در دوره‌های باستان مورد توجه بوده است، اما چون ارتباطات، الزامات و مواجهات فرهنگی جوامع امروز بسیار گسترده‌تر از دوره‌های باستان شده است؛ طبعاً این مفهوم، گستره معنایی وسیع‌تری پیدا کرده و چه به لحاظ نظر و چه در مقام عمل، عمق و وسعت بیشتری پیدا نموده است؛ به طوری که توسعه معنایی این مفهوم متناسب با نیازهای افراد و مقتضیات جامعه کنونی گشته است.

اصطلاح «چندفرهنگی» مفهومی است که در سال‌های اخیر مورد تأکید تعلیم و تربیت و به خصوص جامعه‌شناسی آموزش و پرورش قرار گرفته و منظور از آن، این است که به رغم گسترش ارتباطات بین کشورها و حرکت آنها به سوی نظامی جهانی؛ تفاوت‌های فرهنگی بین آنها اهمیت خاصی دارد. در واقع، می‌توان گفت که در حال حاضر «ملیت‌ها» و «اقوام» منطقه‌ای؛ مسأله، گوناگونی فرهنگ‌ها و حفظ هویت‌های متفاوت فرهنگی خواسته منطقی و طبیعی میلیاردها انسان ساکن کره زمین است. گوناگونی فرهنگ‌ها به قاره‌ها و کشورها محدود نمی‌شود و در درون هر کشور نیز می‌توان اقوام و ملیت‌های گوناگونی را مشاهده کرد که به رغم تفاوت‌های فرهنگی با یکدیگر، در درون فرهنگ ملی به حیات خود ادامه می‌دهند. این گوناگونی در اکثر کشورهای جهان قابل مشاهده است و به استناد آمار، تنها ۱۰ درصد کشورهای جهان را می‌توان کشورهایی همگن و یکدست به حساب آورد [۷].

یکی از راه‌های مناسب برای رویارویی با دنیای تحول‌گرای امروز آموزش چندفرهنگی است. برنامه درسی در این شرایط با تأکید بر خصوصیات فرهنگی اقلیت‌ها می‌تواند در جهت رشد و تقویت فرهنگ‌های بومی و در نهایت تقویت فرهنگ ملی نقش بسزایی داشته باشد. در چنین شرایطی نظام آموزش و پرورش برای پاسخگویی به چنین نیازی ناگزیر است در کنار ارائه

دانش‌های تخصصی، به دانش‌آموزان کمک کند که دانش و مهارت‌هایی را برای دستیابی به تعاملات فرهنگی موفق، کسب کنند [۸]. آموزش چندفرهنگی به عنوان یک نیاز ضروری در جوامع دارای تنوع فرهنگی که افراد می‌خواهند به صورت مسالمت‌آمیز زندگی کنند، امری حیاتی است. همچنین با تاکید بر ملاک‌های فرهنگی می‌توان تلاش نمود فرد هویت خود را در آنها مورد توجه قرار دهد [۹].

لازم است به این نکته نیز اشاره شود که برنامه درسی یک پدیده فرهنگی است، زیرا جهان‌بینی‌ها و روش زندگی مردم در هر جامعه‌ای بر عناصر مختلف آن مانند اهداف درسی، محتوای درسی، تدریس و روابط اجتماعی کلاس درس، تأثیر می‌گذارد. فرهنگ در برنامه درسی به دو دلیل حائز اهمیت است: نخست اینکه روابط فرهنگی درون یک جامعه یا کشور مستقیماً مسائل برنامه درسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و دوم اینکه چگونه تأثیر فرهنگ‌های جهانی بر محیط‌های آموزشی می‌توانند در آموزش و پرورش کشورها تحلیل شوند و نگرانی‌ها در مورد انتقال فرهنگی تا چه مرزهایی قابل تسری است. هر چند در مورد پدیده‌های فرهنگی نظرات و چشم‌اندازهای گوناگون و متفاوتی وجود دارند، اما در این خصوص همفکری وجود دارد که بدون اطلاع از پدیده‌های فرهنگی نمی‌توان درک درستی از دانش ارزشمند در برنامه درسی داشت. بنابراین با توجه به تاکید بر آموزش چندفرهنگی در نظام آموزشی کشور، مساله اصلی این است که مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی در برنامه درسی دوره متوسطه چگونه می‌باشد؟

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر با توجه به منابع مطالعاتی این پژوهش، ماهیت موضوع و اهداف آن، از نوع تحقیق کیفی بوده و پژوهشی تحلیلی-استنتاجی می‌باشد. با توجه به این که هدف پژوهش تحلیلی عبارت است از «فهم و بهبود مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که بر حسب آنها تجربه‌ها تفسیر، مقاصد به وضوح بیان، مسائل ساخت‌بندی شده و پژوهش‌ها به اجرا درمی‌آیند» (شورت، ۱۳۸۸)؛ به استنتاج و نهایتاً تبیین مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی در نظام آموزش متوسطه کشور پرداخته شد.

۴. یافته‌های پژوهش

سرزمین ایران به جهت پهناور بودن، دارای تنوع قومی و فرهنگی متعددی است. بر این اساس غنای فرهنگی این سرزمین نیز متنوع و متکثر است. هر چند میان اقوام و فرهنگ‌های ایرانی، ویژگی‌های مشترک فراوانی وجود دارد؛ اما هر کدام از آنها نیز دارای خصوصیت‌های ویژه‌ای هستند که هر یک را از دیگری مشخص و معرف می‌سازد. پراکندگی برخی قومیت‌ها در محدوده نوار مرزی کشور و حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در جوار این مرزها، بر اهمیت و حساسیت موضوع افزوده است. وجود چنین واقعیاتی در هر کشوری توجه خاص سیاستمداران را طلب می‌کند. به عبارت دیگر کشور ایران به عنوان جامعه‌ای متشکل از فرهنگ‌ها، اقشار و اقوام مختلف نظیر اقوام آذری، کرد، لر، ترکمن، طالبی، مازندرانی، گیلک، عرب، بلوچ و سایر اقوام بوده و واقعیت غیرقابل انکار آن است که نیمی از استان‌های کشور به طور مستقیم دارای تنوع فرهنگی و قومی هستند [۱۰].

بحث برنامه درسی چندفرهنگی یکی از مباحث زنده، مهم، ضروری و در عین حال دارای دشواری‌هایی در بخش‌های طراحی و اجرا است. محققان و نظریه‌پردازان معتقدند که آموزش چندفرهنگی هم یک ضرورت، و هم یک مزیت جهت موفقیت تحصیلی و اجتماعی در میان دانش‌آموزان با قومیت و فرهنگ‌های مختلف می‌باشد. می‌توان اطمینان حاصل کرد که زمانی که گروه‌های مختلف فرهنگی، نژادی، قومی، جنسیتی، زبانی مردم و تجارب آنها در برنامه درسی گنجانده شود؛ باعث توانمندسازی

و آگاهی دانش‌آموزان از اینگونه تنوع‌ها می‌شود. اینکه چگونه این تنوع را ترکیب و در محتوای دروس در نظر گرفت، بسیار مهم می‌باشد. بنابراین مشخص کردن ماهیت محتوای برنامه درسی آنچه که در واقع شامل می‌شود، (چگونه و چرا) برای دانش‌آموزان برای رسیدن به درکی از خود و دیگران در یک جامعه کثرت‌گرای فرهنگی مهم است.

یکی دیگر از ضرورت‌های طراحی برنامه‌های درسی متناسب با تنوع فرهنگی، ضرورت‌های عصری است. در عصر حاضر، به دلیل تعاملات گسترده فیزیکی و مجازی افراد و فرهنگ‌ها و از میان رفتن مرزهای قراردادی سنتی، پیوندهای گریزناپذیری بین افراد و فرهنگ‌ها به وجود آمده است. حضور فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر و تلاقی آنها، احتمال ایجاد چالش و تنش در میان افراد و فرهنگ‌ها را افزایش داده است. بدین جهت پیش‌بینی سازوکار مناسب به منظور نزدیکی فرهنگ‌ها، ایجاد تفاهم و تعامل میان آنها در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز و رفع سوءتفاهم‌های احتمالی، ضرورت این امر را مضاعف می‌کند. در این راستا، از جمله رسالت‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت در جوامع چندفرهنگی، طراحی برنامه‌های درسی حساس به فرهنگ و پاسخگو به ویژگی‌های چندفرهنگی است [۱]. در این راستا، بسیاری از کشورها به اهمیت و ضرورت آن توجه کرده و با طراحی و تدوین برنامه‌های درسی با چنین رویکردی، سعی در تربیت دانش‌آموزانی آشنا به مهارت‌های زندگی در یک جامعه چندفرهنگی نموده‌اند. ضرورت توجه به تدوین برنامه‌های چندفرهنگی و تبیین مؤلفه‌های آن در اسناد بالادستی کشور اشاره شده و به نوعی جزء اقدامات ضروری برنامه‌ریزان در این عرصه محسوب می‌شود.

پرواضح است روند شتابان جهانی شدن، فرهنگ را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در جهانی که محصول جهانی شدن است، انسان‌ها با هم در تعامل هستند و هر لحظه به واسطه ارتباطات ماهواره‌ای می‌توانند از یکدیگر باخبر باشند. از طرفی دیگر جهانی شدن فرهنگ باعث می‌شود تا فرهنگ‌های ملی در حاشیه قرار گیرند و کنار گذاشته شوند. بنابراین، هر فرد در هر جامعه، شاهد آن خواهد بود که ارزش فرهنگ‌های بومی و ملی را از دست داده و به فرهنگ‌هایی گرایش پیدا کند که از نظر فکری، اخلاقی و روحی ساخته و پرداخته جوامع دیگر است. همچنین از نظر برخی متخصصان، این حالتها زمینه هرج و مرج، بی‌اعتمادی، و فروپاشی فرهنگی را که خود به جنگ فرهنگی منجر خواهد شد؛ به وجود می‌آورد [۱۱]. به هر حال بروز بحران‌های هویتی و فرهنگی در جوامع ملی، و نفی استقلال فرهنگی دیگر ملل از تبعات جهانی شدن فرهنگ است که باید از طریق نظام‌های آموزشی ملی و محلی با آن مقابله کرد. البته خود نظام‌های آموزشی نیز تحت تأثیر جهانی شدن فرهنگ قرار می‌گیرند. به اعتقاد گی (۲۰۰۸) آموزش چندفرهنگی حداقل با سه دلیل اهمیت دارد:

۱- واقعیت اجتماعی: جهان ما، جهانی کثرت‌گرا (به لحاظ اجتماعی) است و دارای گونه‌های مختلف اقوام است. تنوع نژادی، فرهنگی، قومی، زبانی از بارزترین مشخصه‌های جهان امروز به شمار می‌رود. تحقیقاتی نظیر تحقیق اسمیت^۱ حاکی از آن بود که وقتی گروه‌های قومی، وسعت پیدا می‌کنند و از نظر سیاسی دارای اهمیت بیشتری می‌شوند؛ بنابراین لازم است سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی پاسخگوی منافع آنها نیز باشد.

۲- تأثیر فرهنگ و نژاد انسان بر رشد و پیشرفت او: فرهنگ؛ رفتار، نگرش و ارزش‌های انسان را شکل می‌دهد. در یک جامعه کثرت‌گرا تصمیم‌گیری آموزشی پاسخگو، زمانی تحقق خواهد یافت که رهبران آموزشی برنامه‌های خود را با آگاهی از چگونگی شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارهای خود و دانش‌آموزان‌شان توسط فرهنگ طراحی نمایند.

۳- شرایط تدریس و یادگیری اثربخش: در آموزش چندفرهنگی، یاددهی و یادگیری، فرایندهای فرهنگی محسوب می‌شوند. برای اینکه بهترین آموزش (به لحاظ کیفی) صورت بگیرد، باید فرهنگ دانش‌آموزان به دقت بررسی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عبارت دیگر بسیاری از تفاوت‌های دانش‌آموزان در یادگیری به فرهنگشان بازمی‌گردد. صادقی

^۱. Smith

(۱۳۸۹) در ارتباط میان فرهنگ و تدریس و یادگیری به این مورد اشاره کرده است که: الف) آموزش چندفرهنگی مبنایی برای همه دانش‌آموزان حاضر در یک جامعه کثرت‌گرا از لحاظ فرهنگی، قومی و اجتماعی است. ب) قومیت و فرهنگ متغیرهای مؤثری در شکل‌دهی به هویت و رفتار فردی هستند. پ) جامعه‌پذیری فرهنگی در شخصیت انسان از ابتدا به طور عمیق ریشه دوانده و تا آخر عمر او تداوم می‌یابد. ت) تنوع فرهنگی، واقعیت امروز جامعه جهانی است. ث) آموزش چندفرهنگی تکمیل‌کننده آموزش کیفی است. ج) قومیت، فرهنگ و انسان بودن به طور تفکیک‌ناپذیری بهم پیوسته‌اند و رابطه متقابل با یکدیگر دارند. هیئت‌نویس^۱ (۲۰۱۱) نیز بیان می‌دارد آموزش چندفرهنگی باید چارچوبی را برای توجه به نابرابری‌های آموزشی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراهم کند. معلمان باید: ۱) از تدریس برنامه درسی پنهان اجتناب کنند؛ ۲) یاد بگیرند چگونه برنامه درسی فرهنگی را آماده کنند؛ ۳) هدف‌هایی تنظیم کنند که از مدل تعلیم و تربیت چندفرهنگی و برنامه درسی فرهنگی بهره‌بردار؛ ۴) والدین را در تعلیم و تربیت بچه‌ها دخالت دهند؛ و ۵) بر روی تغییر نگرش‌ها کار کنند.

با عنایت به توضیحات ارائه شده، فرهنگ در برنامه درسی به دو دلیل حائز اهمیت است: نخست اینکه روابط فرهنگی درون یک جامعه یا کشور مستقیماً مسائل برنامه درسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، و دوم اینکه چگونگی تأثیر فرهنگ‌های جهانی بر محیط‌های آموزشی را در آموزش و پرورش کشورها تحلیل می‌کند و بررسی می‌کند نگرانی‌ها در مورد انتقال فرهنگی تا چه مرزهایی قابل تسری است. هر چند در مورد پدیده‌های فرهنگی نظرات و چشم‌اندازهای گوناگون و متفاوتی وجود دارند، اما در این خصوص همفکری لازم است که بدون اطلاع از پدیده‌های فرهنگی نمی‌توان درک درستی از دانش ارزشمند در برنامه درسی داشت. پس هرگونه تحلیل یا تفسیر برنامه درسی بدون درک مسائل فرهنگی، کوتاه‌بینانه و مسئله‌آفرین خواهد بود. رکود فرهنگی باعث رکود برنامه درسی، و رکود برنامه‌های درسی موجب رکود فرهنگی می‌شود [۱۲]. به بیانی دیگر، فرهنگ به عنوان یک نیاز ضروری در جوامع چندفرهنگی که می‌خواهند به صورت مسالمت‌آمیز زندگی مشترکی را دنبال کنند، باید مورد توجه قرار گیرد. در دنیای امروزی که دنیای اطلاعات و ارتباطات نامیده می‌شود، کشورها تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با یکدیگر دارند. از اینرو انتظار می‌رود این تعاملات در حوزه آموزش و پرورش نیز تأثیرگذار باشد. در داخل کشور نیز شاهد تنوع نژادی، فرهنگی، قومی، طبقه اجتماعی، دینی و زبانی نیز هستیم که این امر بر چندفرهنگی بودن کشور اشاره دارد. آموزش چندفرهنگی فرآیند تحول اجتماعی است. در این زمینه، یک رویکرد مترقی برای تغییر آموزش مورد نیاز است. مفهومی از آموزش چندفرهنگی باید برای فرهنگ مناسب، بازنگری و توسعه یابد. همچنین زمینه قبل از اجرای آن در فرآیند آموزش و یادگیری نیاز شدیدی به توسعه آموزش چندفرهنگی به عنوان الگویی برای رویارویی با رشد دارد. در قرن بیست و یکم، جوانان بطور فزاینده‌ای با چالش‌های جهانی مواجه می‌شوند، بنابراین لازم است توانایی کار در فراسوی فرهنگ‌ها و مرزهای سیاسی را کسب نمایند. همچنین آنها باید توانایی درک فرهنگ‌های دیگر را افزایش داده و دید مدرن داشته باشند. جوانان باید ارزش‌های وحدت و تنوع و اجرای آن در جامعه را در خود بپذیرند. باید اشاره کرد در این بین، قدردانی مثبت از هویت‌های قومی، فرهنگ، زبان، ظاهر فیزیکی، مذهب و رنگ پوست بسیار مهم است [۱۳، ۱۴].

آموزش چندفرهنگی به یک تعهد جهانی تبدیل شده است که در اکتبر ۱۹۹۴ توسط یونسکو در ژنو این توصیه شامل چهار ایده بود. اول: آموزش و پرورش باید توانایی درک ارزش‌های افراد، جنسیت‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها و توانایی برقراری ارتباط، اشتراک‌گذاری و همکاری با یکدیگر را فراهم کند. دوم: آموزش باید هویت ایجاد کند و همگرایی ایده‌ها و راه‌حل‌ها را تشویق کند. نیز باعث تقویت صلح، برادری و همبستگی بین افراد جامعه شود. سوم: آموزش باید توانایی غلبه بر تعارضات را

^۱ Hinton

به صورت مسالمت‌آمیز افزایش دهد. چهارم: آموزش و پرورش باید آرامش را در ذهن دانش‌آموزان تقویت کند تا بتوانند جایگاه بالاتری بسازند. کیفیت تحمل، صبر و اراده برای به اشتراک گذاشتن و حفظ صلح، وظیفه آموزش چندفرهنگی است [۱۵، ۱۷]. لازم به ذکر است آموزش چندفرهنگی ادغام محتوا، فرآیند ساخت دانش، کاهش تعصب، آموزش برابری، و فرهنگ مدرسه و اجتماعی توانمند است؛ به این معنی که یک ساختار پیچیده و چندبعدی در داخل وجود دارد. آموزش چندفرهنگی با تحقق تمام این پنج بعد، دانش‌آموزان دارای توانایی ساخت ایده‌آل‌های خود بر اساس آنچه می‌آموزند، تربیت می‌کند. چنین دانش‌آموزانی قادر خواهند بود که درک درستی از نحوه واکنش به مشکلات اجتماعی داشته باشند. به عنوان هدف اصلی، بهبود محیط و فضای آموزشی باید در حال افزایش باشد، البته با احترام و توجه به گروه‌های مختلف فرهنگی برای تسهیل برابری در آموزش [۱۸]. این نکته نیز باید لحاظ شود که مهم‌ترین هدف در آموزش چندفرهنگی، به یادگیری مادام‌العمر تبدیل می‌شود [۱۹]. در مجموع آموزش چندقومیتی نوعی از آموزش است که به فراگیران کمک می‌کند تا آگاهی‌های لازم را کسب کنند و شایستگی‌های مناسب برای مشارکت در دنیای دموکراتیک داشته باشند. همچنین به کمک افراد اقوام مختلف، گروه‌ها می‌توانند شانس مساوی برای یادگیری داشته باشند [۲۰].

محققان و نظریه‌پردازان معتقدند که آموزش چندفرهنگی هم یک ضرورت، و هم یک مزیت جهت موفقیت تحصیلی و اجتماعی در میان دانش‌آموزان با قومیت و فرهنگ‌های مختلف می‌باشد. بنکس^۱ (۲۰۱۹) [۱۸]، فورد^۲ (۲۰۰۵) [۲۱]، گرانت و تاتی^۳ (۱۹۹۵) [۲۲] با در نظر گرفتن اهمیت تجارب فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی، به این نکته اشاره می‌کنند. لادسون بیلینگز^۴ (۱۹۹۴) معتقد است که برنامه‌ریزان درسی می‌توانند با مهم دانستن فرهنگ و تجارب روزانه دانش‌آموزان، یادگیری را به حداکثر برسانند [۲۳]. شایان ذکر است منظور از چندفرهنگ‌گرایی، که در سال‌های اخیر در تعلیم و تربیت و به خصوص جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت بر آن تاکید شده؛ این است که با وجود گسترش ارتباط بین کشورها و حرکت آنها به سوی نظامی جهانی، مسئله اقوام و تفاوت‌های فرهنگی بین آنها همچنان اهمیت خاصی دارد [۲۴]. می‌توان گفت چندفرهنگی‌گرایی ارتقاء ارزشگذاری نسبت به تنوع و فرصت‌های برابر برای همه افراد از طریق درک دیدگاه‌های گروه‌های نژادی، قومی، فرهنگی، زبانی، مذهبی، جنسیتی و افراد با توانایی‌ها و ناتوانایی‌های فیزیکی است [۲۵]. در همین راستا صادقی (۱۳۹۱) در پژوهش خود «طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی چندفرهنگی برای تربیت معلم ایران» بیان می‌دارد بحث درباره پاسخگویی فرهنگ به برنامه‌های درسی و طراحی برنامه‌درسی پاسخگو و حساس به فرهنگ در طراحی برنامه‌های درسی رسمی کشور تا اندازه زیادی مغفول واقع شده است. با توجه به اینکه اسناد و قوانین بالادستی کشور، به تناسب و به دفعات، موضوع توجه به فرهنگ‌ها و چندفرهنگی را مورد تأکید قرار داده است، اما در تدوین سیاست‌های اجرایی و در برنامه‌های درسی این امر مغفول واقع شده است [۲۶].

همچنین به عقیده بنکز، «آموزش چندفرهنگی» نوعی رویکرد آموزشی است که تنوع قومی و فرهنگی را در جامعه به رسمیت می‌شناسد و سیاست‌های آموزشی خود را در جهت اصلاح مفاهیم عمده‌ای نظیر هویت، از خودبیگانگی، تعصب، درگیری‌های قومی، نژادی و فرهنگی تنظیم می‌کند. «برنامه درسی چندفرهنگی»^۵ سازوکاری است که می‌تواند از راه توانمندسازی افراد و گروه‌ها از منظر برخورداری از دانش، نگرش و مهارت برای زیست مسالمت‌آمیز در یک جامعه چندفرهنگی مؤثر و کارساز باشد. برنامه درسی چندفرهنگی زاینده جوامع چندفرهنگی است و چندفرهنگی توصیف وضعیتی است که

1. Banks
2. Ford
3. Grant & Tate
4. Ladson Billings
5. MultiCultural Curriculum

فرهنگ‌های گوناگون بنا به دلایلی در کنار یکدیگر امکان زیست پیدا کرده‌اند. مأموریت اصلی رویکرد برنامه درسی چندفرهنگی، طراحی و تدوین برنامه‌های درسی با ویژگی‌های چندفرهنگی است؛ بدین معنی که ضمن گنجاندن صدای همه فرهنگ‌ها و ارج گذاشتن به آنها، سعی در ایجاد «وحدت در عین کثرت» نماید تا از این راه بتوان به هدف تفاهم و تعامل دست یافت. این هدف ضمن توجه به ارزش و اهمیت ذاتی کثرت فرهنگ‌ها، در پی ایجاد نوعی وحدت برای زیست مسالمت‌آمیز میان آنها از راه آموزش چگونگی تعامل میان آنهاست [۱]. در همین راستا، عبدلی و صادقی (۱۳۹۴) در پژوهش خود اشاره می‌کنند که دانش‌آموزان انتظار دارند که نظام آموزشی و تربیتی برنامه‌هایی طراحی کنند که باعث رشد و گسترش مهارت‌هایشان برای درک جهان و جوامع کثرت‌گرا و متنوع باشد. آنها معتقدند برای اینکه انسان‌ها بتوانند جوامع چندفرهنگی را تحمل و در آن بدون دغدغه زندگی کنند، باید آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی؛ از طریق برنامه‌های درسی، معلم و سایر کادر آموزشی، گام‌هایی مؤثر بردارند. لذا توجه به این تنوع فرهنگی جزء اولویت‌های پایه و اساسی نظام‌های آموزشی متنوع فرهنگی است.

در هر برنامه درسی، اهداف از جایگاه خاصی برخوردارند. اهداف اساسی و مهم برنامه درسی چندفرهنگی اغلب مشخص هستند. اما برخی متخصصان، آن را بسیط و برخی خلاصه‌تر بیان نموده‌اند. از میان این صاحب‌نظران، دیویدمن^۱ (۱۹۹۷) اهداف برنامه درسی چندفرهنگی را به موارد اساسی زیر محدود می‌کند: برابری آموزشی، دانش گسترده درباره گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی و درک مفاهیم بین‌فرهنگی، بین‌گروهی، بین‌قومی در کلاس، مدرسه و جامعه. یا به نظر میشل^۲ (۲۰۰۳) ارائه برنامه‌های چندفرهنگی حداقل به سبب برآورده ساختن چهار هدف زیر صورت می‌گیرد: الف) برای درمان نژادپرستی در برنامه‌های درسی، ب) برای ایجاد تفاهم بین گروه‌های نژادی و ارج نهادن به فرهنگ‌های مختلف، ج) برای خنثی کردن تنش‌ها و تعارضات درون‌گروهی، د) تلفیق و مرتبط ساختن برنامه‌های درسی با تجارب و سنت‌های فرهنگی افراد و گروه‌های مختلف قومی و نژادی.

در آموزش چندفرهنگی توجه به فعالیت‌های کلاسی نیز اهمیت پیدا می‌کند. رفتار کودکان در کلاس درس، تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ آنها قرار دارد. از اینرو، ضروری است فعالیت‌های کلاس درس با هنجارهای اجتماعی متفاوت این کودکان و ارزش‌های فرهنگی آنها منطبق شود تا بتواند یادگیری این کودکان را به شکل مناسبی تحقق بخشد. به هر حال، فعالیت‌های کلاس باید به گونه‌ای باشد که مفهوم تفاوت‌های فرهنگی را مورد تأیید قرار دهد و به آن ارزش بگذارد. نمونه‌ای از این فعالیت‌ها عبارتند از:

۱. اطمینان حاصل کنید که تکالیف تعیین شده برای دانش‌آموزان، حالت اهانت‌آمیز یا ناامیدکننده نسبت به فرهنگ‌های دیگر نداشته باشد.
۲. از دانش‌آموزان بخواهید درباره موضوعات مربوط به فرهنگ‌های گوناگون، داستان‌های کوتاهی بنویسند یا در این باره به بحث بپردازند.
۳. درباره قانون اساسی و حقوقی که برای اقوام و ملیت‌های مختلف در نظر گرفته شده است، بحث کنید.
۴. دانش‌آموزان را به بازدید نقاطی ببرید که به فرهنگ‌های دیگر متعلق است و درباره سهم آنها در اعتلای کشور صحبت کنید.
۵. درباره نحوه متفاوت زندگی اقوام و گروه‌های فرهنگی بحث کنید و وجوه گوناگون زندگی آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.

^۱. Daavidman

^۲. Mishel

در رابطه با فعالیت‌های کلاس درسی در برنامه درسی چندفرهنگی، جانسون^۱ (۲۰۱۱) در پژوهش خود عنوان می‌کند: چنانچه کلاس درس چندفرهنگی اجرا شود، دانش‌آموزان در این محیط‌ها کمتر به خاطر اختلافات و تفاوت‌های نژادی آسیب می‌بینند و از هرگونه بی‌عدالتی و نابرابری تحصیلی دور می‌شوند. مطالعه ونلینن^۲ (۲۰۱۰) نیز نشان داد که در محیط‌های چندفرهنگی که آموزش مبتنی بر فرهنگ صورت می‌گیرد، تأثیرات مثبت در دانش‌آموزان و به خصوص افت تحصیلی تا حدودی برطرف می‌شود. همچنین فیصل محمد^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «چالش‌ها و فرصت‌های اجرایی نظام آموزشی اسلام‌محور در جامعه چندفرهنگی کانادا» باور دارد در حالی که امید به تربیت بهتر دانش‌آموزان به صورت یکپارچه وجود دارد؛ برنامه تربیتی اسلامی باید بتواند بین باورهای دانش‌آموزان، هویت اسلامی و تقویت صلاحیت‌های چندفرهنگی آنها تعادلی ایجاد کند. نیز، برنامه تربیتی اسلامی می‌تواند مفهوم احترام به باورها و فرهنگ غیرمسلمانان و تعریف شیوه‌های خوب اسلامی که شامل تربیت شهروند خوب در زمینه چندفرهنگی است را گسترش دهد.

دستیابی به هویت فرهنگی زمانی است که فرد برای حل مسائل فرهنگی با دو مسئله برخورد می‌کند: نخست تفاوت بین حال و گذشته فرهنگی‌اش، و دیگری پایین بودن گروه فرهنگی‌اش در جامعه. در این مرحله فرد به یک حس روشن و احساس اطمینان به هویت فرهنگی دست می‌یابد. با این حال دستیابی به یک هویت فرهنگی روشن و احساس اطمینان به آن در یک جامعه‌ای چندفرهنگی مشکل است؛ چرا که حس مثبت هویت فرهنگی می‌تواند به نوجوانان متعلق به خرده‌فرهنگ‌ها کمک نماید تا احساس خوبی درباره خود و تشخیص در رفتارهای مناسب نسبت به هویت جامعه بزرگتر پیدا کند.

در عصر حاضر به دلیل تعاملات گسترده فیزیکی و مجازی افراد و فرهنگ‌ها و از میان رفتن مرزهای قراردادی سنتی، پیوندهای گریزناپذیر بین افراد و فرهنگ‌ها به وجود آمده است. حضور فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر و تلاقی آنها احتمال ایجاد چالش و تنش بین افراد و فرهنگ‌ها را افزایش داده است بدین جهت پیش‌بینی سازوکار مناسب به منظور نزدیکی فرهنگ‌ها، ایجاد تفاهم و تعامل میان آنها در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز و رفع سوء تفاهم‌های احتمالی ضرورت می‌یابد. در این راستا از جمله رسالت‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت در جوامع چندفرهنگی طراحی برنامه‌های درسی حساس به فرهنگ و پاسخگو به ویژگی‌های چندفرهنگی است.

با این اوصاف، می‌توان گفت اگر مدارس در پاسخگویی به نیازها و مطالبات فرهنگی دانش‌آموزان مختلف، ناموفق عمل کرده‌اند؛ یک دلیل ساختاری دارد: اینکه اکثر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، علمی و دانشگاهی کشور بر این پیش‌فرض اشتباه بنا شده است که مطرح شدن خواسته‌های خرده‌فرهنگ‌ها در سیاست‌ها و توجه به آنها می‌تواند برای حفظ وحدت ملی در دسرساز و خطرناک باشد و بنابراین، تا این پیش‌فرض در سیاست‌گذاری‌ها کنار گذاشته نشود؛ نمی‌توان از موفقیت برنامه‌های آتی آموزش چندفرهنگی، سخنی به میان آورد. از اینرو برای موفقیت در تحقق اهداف برنامه درسی آموزش چندفرهنگی؛ در گام اول باید تمامی تنوع‌های فرهنگی، قومی، مذهبی و حتی جغرافیایی ایران در سیاست‌های کلان و خرد کشور احیا شده و به آن احترام گذارده شود. در گام دوم باید تمامی تعصبات و تنگ‌نظری‌ها از نظام آموزشی برداشته شوند. بخشی از این تعصبات، عمدی یا سهوی مربوط به محتوای کتاب‌های آموزشی مدارس است، بخشی نیز مربوط به نگرش‌های کوتاه‌بینانه و نامناسب معلمان است و بخشی نیز مربوط به سیاست‌گذاری‌های آموزشی است. اما آنچه مشخص است، این است که با تکیه بر سیاست‌گذاری‌های چندفرهنگی می‌توان از دامنه و گسترده این تعصبات و تنگ‌نظری‌ها کاست. در گام سوم لازم است که این

۱. Johnson

۲. Venäläinen

۳. Faisal Mohamed

آزادی و استقلال به دانشگاه‌ها داده شود که دوشادوش تعهد و پاسخگویی آنها به وحدت ملی و فرهنگی کشور، متعهد و پاسخگوی نیازهای منطقه‌ای و محلی خاص خود نیز باشند. بنابراین، دانشگاه‌ها می‌توانند رویکردی را اتخاذ کنند که در راستای پاسخگویی به نیازهای فکری، اجتماعی، فرهنگی و فنی جامعه خود حرکت کنند. این بدان معنی است که ضروری است سیاست‌ها و برنامه‌های مدارس، «آیین‌های» از مطالبات و خواسته‌های ملی و محلی باشد. با این اوصاف، اگر بتوان در راستای این سه گام حرکت کرد؛ بخش گسترده‌ای از زیرساخت‌های آموزش چندفرهنگی فراهم می‌شود [۲۷].

در این میان، توجه به تربیت معلمان خبره برای اجرای دقیق برنامه درسی آموزش چندفرهنگی کاملاً ضروری است.

زیرا:

- معلمان باید بدانند که کلاس درس شامل گروهی از فراگیرندگان است که زمینه‌های فرهنگی، توانایی‌ها، دانش و انگیزه‌های متفاوتی برای موفقیت در مدرسه دارند و نمی‌توان همه آنها را به یک چشم نگاه کرد.
- رویکرد یا روش واحدی برای کار کردن با شاگردان به طور مؤثر وجود ندارد. مطالعه سبک‌های یادگیری فراگیرندگان متفاوت، باید در آموزش لحاظ گردد و بر مبنای آن، از روش‌ها و راهبردهای گوناگونی استفاده شود.
- معلمان باید مهارت‌هایی را در خود به وجود آورند که تعامل مثبت بین دانش‌آموزان را تشویق کند. آنان باید بر دانش خود نسبت به زمینه‌های فرهنگی و قومی این دانش‌آموزان بیفزایند و نسبت به آن حساسیت نشان دهند.
- معلمان باید با برنامه درسی دانش‌آموزان و محتوای آنها کاملاً آشنا باشند و از سهم همه گروه‌های فرهنگی در اعتلا و غنای فرهنگ جامعه مطلع شوند. این محتوا باید متناسب با نیازهای این دانش‌آموزان باشد و از هرگونه جهت‌گیری در آن پرهیز شود.

در همین راستا، محمدی و همکاران (۱۳۹۵) این موضوع را بررسی کردند که معلمان بهتر است دوره‌های آموزشی چندفرهنگی را بگذرانند تا شناختی نسبی از زمینه‌های فرهنگی، مذهبی و زیست بومی اقوام مختلف بدست آورند و با استفاده از آن، نمونه‌های محلی و منطق‌های مثل مشاهیر، ادیبان هر فرهنگ را مثال بزنند تا دانش‌آموزان درس را بهتر درک کنند یا اینکه در کتابخانه‌ها، کتاب‌هایی در مورد فرهنگ‌های گوناگون موجود باشد تا دانش‌آموزان بتوانند به اطلاعاتی در خصوص فرهنگ‌های گوناگون یا حتی زبان مادری‌شان دست پیدا کنند. بنابراین لازم است نه تنها باید در رویکرد سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نظام آموزشی، تجدیدنظر کرد؛ بلکه برای پاسخگویی به نیازهای متنوع فرهنگی دانش‌آموزان، نیروی‌های انسانی موجود در مدارس نیز بایستی دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های لازم برای محیط‌های چندفرهنگی باشند. قاعدتاً یک بخش از این جریان توسط جذب و استخدام نیروی انسانی که متعلق به گروه‌های مختلف فرهنگی هستند، انجام می‌شود. با جذب معلمان از فرهنگ‌ها، مذهب‌ها و قومیت‌های مختلف، نه تنها می‌توان بازدهی آموزش و یادگیری را بیشتر کرد؛ بلکه می‌توان به خواسته‌ها و نیازهای متنوع دانش‌آموزان نیز پاسخ داد. بحث دیگر فرهنگ است و صدای تمامی فرهنگ‌ها در برنامه درسی باید شنیده شود. یعنی دانش‌آموزان، حتی معلم خاص مذهب خود داشته باشند؛ مثلاً کلیمی یک معلم کلیمی داشته باشد. بخش دیگر این کار توسط برگزاری دوره‌های آموزش چندفرهنگی برای معلمان میسر می‌شود. از اینرو، برای پاسخگویی به نیازهای متنوع دانش‌آموزان لازم است که معلمان نیز دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای اداره یک کلاس با گوناگونی‌های فرهنگی را داشته باشند.

با این اوصاف، یکی از پیش‌نیازها و زیرساخت‌های لازم برای مدارس جهت طراحی و اجرای برنامه درسی آموزش چندفرهنگی، سیاست‌گذاری چندفرهنگی و نیروی انسانی چندفرهنگی است. البته با فراهم کردن چنین الزاماتی برای مدارس تنها زمینه مساعدی برای پاسخگویی به نیازهای فرهنگی فراگیران ایجاد شده است و می‌توان به کاربست و استقرار تدابیر و

راهکارهای آموزشی امیدوار بود. اما تنها فراهم بودن این شرایط کافی نیست. به عبارت دیگر، فراهم بودن پیش‌نیازها و زیرساخت‌ها، شرط لازم برای آموزش چندفرهنگی است، اما شرط کافی نیست و لازم است تدابیر دیگری اندیشیده شوند تا بتوان به آن نیازها و مطالبات فرهنگی پاسخ داد [۲۷].

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل یافته‌های بدست آمده در تحقیق حاضر حاکی از آن بود که الگوی آموزش چندفرهنگی با شاخص‌های تعیین شده آموزش ضدتعصب و تبعیض نژادی، پذیرش تنوع و تکرر، همزیستی مسالمت‌آمیز با گروه‌های دیگر، عدالت و برابری آموزشی، انعطاف در برنامه درسی، پرداختن به حقوق اقلیت‌های دینی و فرهنگی، محتوای ترکیبی و یکپارچه و چگونگی خلق دانش و فهم متأثر از ویژگی‌های قومی؛ قابلیت طرح در برنامه درسی دوره متوسطه را دارد. تمام کادر مدرسه، بخصوص معلمان موظف هستند که با بکارگیری برنامه‌های درسی، فضای کلاسی و فعالیت‌های از پیش طراحی شده و نیز با شناخت فرهنگ‌های گوناگون به پیشبرد رویکر چندفرهنگی در آموزش کمک کنند.

توجه اصلی مدرسه و معلمین باید روی برنامه درسی پنهان و ارزشها و چارچوب‌های نهایی‌اش متمرکز شود. یک مدرسه هم برنامه درسی آشکار و هم برنامه درسی پنهان دارد. برنامه درسی سریع شامل متغیرهایی مثل کتاب‌های راهنما، کتاب‌های درسی و طرح‌های درسی است این جنبه‌های محیط مدرسه مهم است و باید اصلاح شوند تا فرهنگ مدرسه‌ای به وجود آید که نگرش‌های مثبتی نسبت به گروه‌های مختلف ایجاد کند. از آنجا که نظام‌های آموزشی به ویژه آموزش و پرورش بیشترین نیرو و سرمایه انسانی را دربردارد و از سوی دیگر به عنوان اصلی‌ترین نهادی در نظر گرفته می‌شود که وظیفه درونی کردن ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه را بر عهده دارد؛ باید با برنامه‌ریزی صحیح به تحکیم هویت ملی و قومی، در مقابله با تهاجم فرهنگی بپردازد. با آشنا شدن اقوام ایرانی با هویت قومی خود سرمایه‌های فرهنگی کشورمان افزایش یافته و هویت ملی تقویت می‌یابد، و در مقابل در حاشیه بودن قومیت‌ها موجب اخلال در امر آموزش و یادگیری می‌شود.

منابع

- [۱]. صادقی، ع.، بررسی سند برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد آموزش چندفرهنگی. تهران: فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۳۸۹، ۵(۱۸).
- [۲]. یزدانی و قربانیان، ۱۳۹۶.
- [3]. Cardi, J.S., Faculty stance toward multiculturalism and multicultural education: A qualitative study. West Virginia University. 1997.
- [4]. Moore, R., Education and society: Issues and explanations in the sociology of education. Polity. 2004.
- [5]. Banks, J. and G. Geneva Gay, Multicultural education a renewed paradigm of transformation and call to action. New York & London: Routledge, 2015.
- [6]. Banks, J.A., Diversity, Group Identity, and Citizenship Education in a Global Age. Educational Researcher, 2008(37): p. 3.
- [۷]. افشین، ج.، و همکاران، بررسی چالش‌های برنامه درسی چندفرهنگی در ایران. تهران: سومین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، ۱۳۹۵.

- [۸]. حکیمزاده، ر.؛ ع. کیامنش؛ م. عطاران، تحلیل محتوای کتابهای درسی دوره راهنمایی با توجه به مسائل و مباحث جهانی در حوزه برنامه درسی. تهران: فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۳۸۶. ۵(۲).
- [۹]. شیرزادکندی، ف.، تغییر در برنامه‌های درسی با رویکرد فرهنگی. تهران: همایش ملی تغییر در برنامه درسی دوره‌های آموزش و پرورش، ۱۳۹۱.
- [۱۰]. حاجیانی، ا.، مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران: مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۳.
- [۱۱]. علیون، ۱۳۸۷.
- [۱۲]. قادری، م.؛ س. کرمار، برنامه درسی و فرهنگ رویارویی‌ها و بهم‌آوری‌ها. تهران: آوای نور. ۱۳۹۳.
- [۱۳]. کوپر، ۲۰۱۴.
- [۱۴]. زمرونی، ۲۰۱۱.
- [15]. Aberg, L. and A. Makitalo, Integration work as a situated communicative practice: Assuming, establishing and modifying cultural differences. *LEARNING CULTURE AND SOCIAL INTERACTION*, 2017. 15: p. 56-68.
- [16]. Seeberg, V. and T. Minick, Enhancing cross-cultural competence in multicultural teacher education: Transformation in global learning. *International journal of multicultural education*, 2012. 14.(۳)
- [17]. Cetin, 2013.
- [18]. Banks, J.A. and C.A.M. Banks, *Multicultural education: Issues and perspectives*. John Wiley & Sons. 2019.
- [19]. Gollnick, D.M. and P.C. Chinn, *Multicultural Education in a Pluralistic Society*, ed. 10. Boston: Pearson Education, Inc. 2017.
- [20]. Halvorsen, A.-L. and S.M. Wilson, *Social studies teacher education*. 2010.
- [21]. Ford, D.Y., *Integrating multicultural and gifted education: A curricular framework*. *Theory Into Practice*, 2005. 44(2): p. 125-137.
- [22]. Grant, C.A. and W.F. Tate, *Multicultural Education through the Lens of the Multicultural Education Research Literature*. 1995.
- [23]. Ladson-Billings, G., *The dreamkeepers: Successful teachers of African American children*. *Harvard Educational Review*, 1994. 64: p. 488-488.
- [۲۴]. خسروی، م.، آموزش چندفرهنگی، الزامی برای جهانی شدن آموزش. همایش جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی، چالش‌ها و فرصت‌ها، ۱۳۸۷.
- [25]. Morey, A.I. and M. Kitano, *Multicultural course transformation in higher education: A broader truth*. Pearson PTR. 1997.
- [۲۶]. صادقی، ع.، ویژگی‌ها و ضرورت‌های تدوین برنامه درسی چندفرهنگی در ایران. بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارها، راهبرد فرهنگ، ۱۳۹۱. ۵(۱۷-۱۸).
- [۲۷]. محمدی، شیرکوه؛ خرازی، ارائه الگویی برای آموزش چندفرهنگی در نظام آموزش عالی: واکاوی دیدگاه‌های متخصصان این حوزه در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، ۱۳۹۵. ۴(۱).